

ضرورت بازنگری در ماموریت امور تربیتی

علی اصغر فانی

قبل از انقلاب با هدف پر کردن اوقات فراغت دانش‌آموزان و ترویج ارزش‌های حاکم بر کشور و تقویت مبانی فکری حاکمیت، واحدهای نامی امور تربیتی در ساختار آموزش و پرورش ایجاد شد و در قالب فعالیت‌های هنری و فوق‌برنامه رسالت خود را آغاز کرد. بعد از انقلاب اسلامی با حفظ قالب امور تربیتی، ماموریت امور تربیتی تغییر کرد و این نهاد نوپا در حفظ، دفاع و توسعه ارزش‌های دینی و انقلابی و بخصوص در دوران دفاع مقدس پیشگام بوده است. حضور گسترده در سنگرهای دفاع مقدس، پشتیبانی از جبهه و تقدیم 26 هزار شهید دانش‌آموز و صدها جانباز و آزاده بخشی از خدمات امور تربیتی بوده است. شهدای گرانقدر رجایی و باهنر که می‌توان از آنها به عنوان بنیانگذاران امور تربیتی یاد کرد تلاش‌های زیادی برای شکل‌گیری و ساماندهی امور تربیتی بعد از انقلاب داشتند. برای تحقق اهداف جدید نیازمند تربیت و جذب نیروی انسانی و همچنین تدوین برنامه‌های جدید بودیم. گزینش و استخدام جوانان انقلابی و به کارگیری آنها به عنوان مربی تربیتی در مدارس و تدوین برنامه‌ها و تعریف فعالیت‌های فرهنگی و هنری و ورزشی و تألیف کتاب‌هایی که مربیان با مطالعه آن قادر به سخنرانی برای دانش‌آموزان در مناسبت‌ها بودند از جمله اقدامات دهه شصت بود. اعزام دانش‌آموزان به جبهه و جلب کمک‌های مردم از طریق دانش‌آموزان، خنثی‌سازی توطئه‌های دشمنان انقلاب و مقابله با فعالیت‌های گروه‌های معاند، بخشی از اقدامات امور تربیتی در دهه شصت بود. حوزه وظایف مربی تربیتی مدرسه با مدیر تداخلی داشت که بعضاً به بروز اختلاف بین ایشان منجر می‌شد.

تحولات اجتماعی از یک سو و کمبود مربی تربیتی و جاذبه تدریس و حوزه آموزش و کم‌انگیزه بودن ایشان و فقدان برنامه‌های مدون و متناسب با تحولات محیطی از سوی دیگر اثربخشی امور تربیتی را به شدت کاهش داده است.

در سال‌های اخیر دو دیدگاه کلی در مورد امور تربیتی مطرح شده است:
1- دیدگاه اول معتقد است که امور تربیتی به شکل مجزا از آموزش و

سایر فعالیت‌های مدرسه، کارایی ندارد و بهتر است فعالیت‌های فوق‌برنامه به معلمان و سایر عوامل واگذار شود. مثلاً ذکر می‌کنند که تاثیرگذاری تربیتی و رفتاری معلم ریاضی بر دانش‌آموزان از نفوذ مربی پرورشی بیشتر است.

2- دیدگاه دوم همچنان معتقد به حضور مربیان تربیتی در مدرسه است. این گروه خود به دو قسمت تقسیم می‌شوند:

2-1- امور تربیتی با روش‌های سنتی به کار خود ادامه داده و به لحاظ نیروی انسانی و امکانات تقویت شود.

2-2- ماموریت یعنی فلسفه وجودی امور تربیتی باید مورد بازنگری قرار گیرد و برنامه‌ها و فعالیت‌ها بر این اساس تدوین شود.

دیدگاه اول در سال‌های 2-1381 مطرح شده تحت عنوان تلفیق فعالیت‌های آموزشی و پرورشی ارائه شد که در عمل با مداخله شورای عالی انقلاب فرهنگی و مجلس شورای اسلامی این دیدگاه کنار گذاشته شد.

دیدگاه 2-1 نیز قابل دفاع نیست. دانش‌آموزان دهه شصت قابل مقایسه با دانش‌آموزان امروزی نیستند.

نسل Z (متولدین دهه هشتاد و نود) فاصله زیادی با نسل X و Y داشته و مراجعه مربیان و معلمان و کادر اجرایی مدارس با ایشان نیازمند توان و تخصص بالایی است.

اگر دیدگاه 2-2 را بپذیریم، ابتدا باید ماموریت امور تربیتی را مورد تجدیدنظر قرار داده، وظایف و نقش‌ها را در حوزه امور تربیتی تعریف جدید کنیم. مربیان تربیتی خود شخصاً وارد فعالیت‌های متنوع مدارس شوند که این اقدام از توان یک نفر خارج است. مربیان تربیتی باید فعالیت‌های فوق‌برنامه و پرورشی را با استفاده از پتانسیل موجود در مدرسه، اولیا، دانش‌آموزان، مساجد و شورای محله و... مدیریت کنند. در این حالت عنوان مربی تربیتی به معاون پرورشی تبدیل می‌شود.

علاوه بر اصلاح ساختاری (ستاد، استان، منطقه و مدرسه) نیازمند مربیان حرفه‌ای، متخصص و با انگیزه هستیم که هم به لحاظ کمی و هم به لحاظ کیفی پاسخگویی ماموریت جدید باشند. و بالاخره: ستاد مرکزی معاونت پرورشی باید نسبت به شناخت مخاطب و محیط به دور از تعصبات گذشته اقدام کند. ما نیازمند مطالعات روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، علوم تربیتی و محیط سیاسی-اقتصادی و... در مورد تحولاتی که در اطراف ما می‌گذرد هستیم. ارزیابی دائمی و اصلاح مسیر حرکت از لوازم بقای سازمانی است.